







# جهان بینى فاخر

شیخ آقا حسن فاخری

مؤسسہ فرهنگى هنرى ملاعلی و

شیخ آقا حسن فاخری



عنوان و نام پدیدآور: جهان بینی فاخر / حسن فاخری؛

مشخصات نشر: ساری: شلفین، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۰-۴۷۰-۴

شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۰-۴۷۱-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ ق.

موضوع: Persian poetry -- 20th century

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری ملا علی و شیخ

آقا حسن فاخری

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

## جهان‌بینی فاخر

شیخ آقا حسن فاخری

مؤسسه فرهنگی هنری ملاعلی و شیخ آقا حسن

فاخری

انتشارات شلفین

چاپ اول، ۱۵۵۵ نسخه، ۱۳۹۷

صفحه‌آرا و طراح جلد: فاطمه سلیمانی

مازندران - ساری. تلفکس: ۰۱۱.۳۳۲۹۷۷۷۷

Email: shelfin\_sari@yahoo.com



# جهان بینى فاخر

شیخ آقا حسن فاخری

مؤسسہ فرهنگى هنرى ملاعلی و

شیخ آقا حسن فاخری

جهان بینى فاخر  
۵

انتشارات شلفین





مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاخری

تصویر حکم تصدی امورات شرعیہ آقا شیخ حسن  
فاخری به اذن مراجع عالیقدر وقت آقا شیخ عبدالکریم  
حائری و آقا سید ابوالحسن اصفہانی

باعث برتھریہ لکھنے جناب مستطاب نفعہ دار لا ینفخ فیہ

در علم محترم کلا رستاق میباشند و در امور استثنائی  
مداخلہ داشته و مجاز میباشند کہ کما فرمایند در امور استثنائی  
مستند باشند و از حقوق دولت و لایعات و مصلوہ خیار و قلم  
جماعت و امور استثنائی و از دعا خیر فرزندانشانند و فہم  
و رایتان مجروح و الم لا تمہر فرزند ہمارا لا اولی الا حق و لا یستوی  
الوجہان

الحمد لله الذی هدانا لهذا  
و انما کان من فضلہ  
نزدن میباشند و کما فرمایند  
الاعتراف







## فهرست

نگاهی به زندگی حضرت مستطاب شمس العرفا و

زبدۀ الفضلا شیخ آقل حسن فاخری / ۱۱

## دیباچہ

الف - تمهید / ۱۷

ب - معنی نامہ / ۲۲

ج - در اثبات ذات واجب الوجود / ۲۴

د - در مفهوم کلی اثبات واجب الوجود / ۲۷

ه - در بیان علیت / ۳۰

و - در بیان صفات ثبوتیه / ۳۳

حسن ختام / ۳۶

در تاریخ وفات حضرت مستطاب شمس العرفا و زبدۀ

فضلا و المحققین آقا شیخ حسن / ۳۷





مجلس شورای اسلامی ایران

نگاهی به زندگی حضرت مستطاب شمس العرفا و

زبده الفضلا

شیخ آقا حسن فاخری متخلص به زاده فاخر طاب

ثراه

عارف و روحانی وارسته شیخ آقا حسن فاخری متخلص به زاده فاخر (۱۳۱۰ - ۱۲۴۹ ه.ش) فرزند برومند ملاعلی فاخری، مدارج عالی علوم اسلامی را در مدرسه عالی سپهسالار سابق نزد اساتید بزرگی چون ملاعلی مدرس زنوزی، میرزای جلوه، حکیم قمشه‌ای و... گذرانده و با تأسیس حوزه علمیه قم به این شهر مهاجرت نموده و تحصیلات خود را به کمال رساند. فضایل معنوی و شایستگی‌های علمی و فقهی وی موجب وثوق او نزد علمای عصر گردیده و به موجب حکمی از جانب مراجع طراز اول وقت؛ آقاشیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم و آقاسیدابوالحسن اصفهانی(ره) به عنوان مسئول امور شرعی‌ی منطقه کلارستاق (شامل چالوس، مرزن آباد و کلاردشت امروزی) تعیین گردید.

زاده فاخر در کنار رسیدگی به امورات شرعی‌ی مردم منطقه، فرصت را برای تدوین اشعار خویش در وصف اهل بیت عصمت و طهارت(ع) غنیمت شمردند. ایشان با تسلطی که بر فنون و صنایع ادبی داشت با اشعاری نغز، دفترش را آذین



مجلس شورای اسلامی ایران

بسته و در سال ۱۳۰۴ ه.ش آن را با خط زیبای خویش به نگارش درآورد. علاوه بر این، زاده فاخر به جمع آوری، تنظیم و نگارش اشعار پدرش مرحوم ملاعلی فاخر، در مجموعه‌ای به نام «جنگ فاخر» همت گمارد و نگارش آن را در سال ۱۳۰۵ ه.ش به پایان رساند.

مؤسسه فرهنگی هنری ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری با استفاده از منابع فوق‌الذکر که دربرگیرنده طیف وسیعی از معارف اسلامی در قالب اشعار آئینی است، به منظور استفاده بهینه علاقمندان، محققین و پژوهشگران کتب تخصصی متعددی منتشر نموده است.

این مؤسسه تاکنون از اشعار آئینی این بزرگواران کتب زیر را منتشر نموده است: ۱- مرثیه فاخر، ۲- تعزیه فاخر، ۳- مثنوی فاخر، ۴- سلمان نامه فاخر، ۵- ایوب نامه فاخر، ۶- منظومه فاخر، ۷- معراجیه فاخر، ۸- مدیحه نامه فاخر، ۹- سوگنامه فاخر، ۱۰- لطایف کلام فاخر.

علاوه بر کتب فوق، این مؤسسه دو جلد کتاب تحت عنوان «مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی فاخر» که در بر گیرنده مقالات پژوهشگران و محققین دانشگاهی و حوزوی در مورد فاخر و زاده فاخر می‌باشند را نیز به زیور طبع آراسته است.



ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری

کتاب حاضر با عنوان جهان‌بینی فاخر، گزیده‌ای از اشعار شیخ آقا حسن فاخری (زاده فاخر) در مورد جهان‌هستی و اثبات وجود خالق این نظم شگرف خلقت می‌باشد که به همت مؤسسه فرهنگی هنری ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری منتشر شده است. شاعر در این مجموعه گرانها با ذوق سرشار خود اثبات فلسفی و علمی وجود ذات اقدس الهی و جهان‌هستی را به نظم درآورده است. امید آنکه این اثر ادبی فلسفی و عرفانی مقبول جامعه اندیشمندان ایرانی اسلامی قرار گیرد.





## دیباجه







بعد بسم ا.. الرحمن الرحیم  
حمد بی حد مر خداوند کریم  
عالم وحی و قدیم است و قدیر  
پس منزّه از شریک است و وزیر  
چونکه ذات حق بود منعم صفات  
شکر او واجب بود در هر جهات  
ذات حق را پس ستایش لازم است  
هر دقیقه بر خلائق جازم است  
خاصه اسمش زینت هر دفتر است  
غیر از آن آن امر بی شک ابر است  
از پس حمد خدای دادگر  
نعت پاک مصطفی خیرالبشر  
احمد و محمود ابوالقاسم و را  
برگزیدش در ازل ذات خدا  
در دو عالم شد نبوت سرفراز  
حق عطایش کرده چندین امتیاز



مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاخری

پس درودی از پی نعت رسول  
بر روان حضرت زوج بتول  
ذات حق اعلاست او باشد علی  
در جهان ملک ولایت را ولی  
یازده اولاد او هر یک امام  
بر پیمبر یک به یک قائم مقام  
خاصه آن مهر درخشان ولا  
هست اندر پرده ظلمت خفا  
گرکه خواهی تا بدانی روزگار  
چيست نام این ذلیل خاکسار  
هرکسی خواهد مرا سازد طلب  
یابدم از نام و از اصل و نسب  
نام من باشد حسن ابن علی  
در ازل نوشیدم از شهد جلی  
فاخر مرحوم بابایم بود  
در کلارستاق مأوایم بود



مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاضل

قریه سنار می باشد مقرر  
طایفه مشهور باشد تیرگر  
خاندان علم باشد خانه ام  
معدن علم است این کاشانه ام  
مدت صد سال ما را در جهان  
در شریعت مرجع اهل زمان  
در سخن گفتن ز لطف کردگار  
یافتم ارثی ز باب نامدار  
کی موافق هست در این روزگار  
از سخن سازی کلام آبدار  
فتنه ها و حادثات پی ز پی  
نطق ناطق در جهان بنموده طی  
خواجه و خواجه بدی در این زمان  
بالیقین ز ایشان شدی قطع بیان  
حیف صد حیف از جفای چرخ دون  
طبع موزون مرا داده زبون



مادامی و شیخ آقا حسن فاخری

با همه این شورش و غوغای عام  
گاه طبع شاعری زد بر مشام  
هر زمان عشق حسینی سرزنند  
طبع گوهرزا نوایی بر زند  
از مراثی و ز مدایح دفتری  
ساختم هر یک بهای گوهری  
از وقایع وز حکایت گفته‌ام  
هرکلامش را چنان در سفته‌ام  
بس کشیدم زحمتی در روز و شب  
ساختم اشعار با شوق طرب  
داشتم امید در این روزگار  
دفترم را بلکه سازم انتشار  
بلکه در دنیا بماند یادگار  
در جزا باشد برایم افتخار  
زاده فاخر تخلص شد بنام  
هریک از افراد چون شد اختتام



ماتعلی و شیخ آقا حسن فاخری

هست سال از هجرت خیرالکبار

یک هزار و سیصد و هم چل چار



بیا مطربا نغمه را ساز کن  
به رویم در عیش را باز کن  
بیا ساقیا جامی از می بیار  
که نوشم دمی زان می خوشگوار  
خورم می که از زاهدان نیست پاک  
که تا قلب را سازد از زنگ پاک  
خورم می که طبعم زند موج موج  
کند هر زمان بر فلک عوج عوج  
نخواهم از آن می که مَسّت آورد  
که بر عقل و ایمان شکست آورد  
از آن می که گفته خدای غفور  
به قرآن به نامش شراباً طهور  
مدد خواهم از کردگار جهان  
که توفیق بخشایدم این زمان  
کند هم رهی چرخ ناسازگار  
که شاید شکستی نیارد به کار



ماتصلی و شیخ آقا حسن فاخری

که تا داستان دل افروز را  
کنم قصه‌های غم اندوز را  
به ناسازگاری این نه سپهر  
قضا ریخت در گردش ماه و مهر  
پس اینک ضرور است با سوز و ساز  
به نظم آورم قصه جان‌گداز  
به عالم بماند مرا یادگار  
که تاریخ باشد به هر روزگار



مجلس شورای اسلامی ایران

## ج - در اثبات ذات واجب الوجود

حمد بی حد لایق ذات خداست  
غیر ذات حق کسی را کی سزااست  
لام لِلّهِ پس از الحمد را  
اختصاصش هست ذات فرد را  
کنه ذاتش عقل ممکن قاصر است  
کی به این ره در تفکر قادر است  
گر شناسی کنه نفس خویشتن  
آنچه ترکیب است اندر جان تن  
شاید آندم ره بذات حق بری  
در شناسایی آن این شد دری  
باب گنج معرفت مفتوح نیست  
ادعای این سخن ممدوح نیست  
شاید از اوصافها مرد خرد  
شمه‌ای از ذات واجب پی برد  
چونکه باشد ذات او عین صفات  
بلکه در خارج صفاتش عین ذات





مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاخری

شیء واحد فاعل و قابل فقط  
ارتسام صورت اشیاء غلط  
علم حق نبود باشیا عین ذات  
نفی علم واجب از اشیا ثبات  
علم نفسش را که با اعضا بود  
علم واجب دان که با اشیا بود  
هست واجب داخل فی کلّ شیء  
نیز او خارج بود عن کلّ شیء  
هم ظهورش در همه اشیا بود  
درحقیقت باز ناپیدا بود  
چونکه بودستی نهایت در ظهور  
زان سبب مخفی شدستی از حضور  
علم واجب در همه عالم محیط  
لیک او خارج بود عین بسیط  
این مراتب از وجود واجد است  
موجد ایجاد را خود شاهد است



ظل و ذی ظل متحد نبود یقین  
جرم شمس و پرتوش کی شد چنین



مجلس شورای اسلامی و شیخ الاسلامی فاخری

## د - در مفهوم کلی اثبات واجب الوجود

آنچه مفهوم است از او منتفع  
واجب است و ممکن است و ممتنع  
واجب آن باشد وجودش دمبدم  
هر جهت ترجیح دارد بر عدم  
ممتنع آن است ترجیح عدم  
بر وجودش هست او بی بیش کم  
اصل ممکن آنچه را معلوم شد  
زو تساوی الطرف مفهوم شد  
گر همان موجود وجودش واجب است  
پس در این دم مدعا به ثابت است  
گر بود ممکن پس او را لاعلاج  
موجد دیگر مر او را احتیاج  
منتهی گردد اگر بر یک وجود  
اوست واجب نیستی گفت شنود  
گر نگردد انتها بر واجب  
باز دارد احتیاج موجدی



مجلس شورای اسلامی ایران

پس در این صورت تسلسل لازم است  
این چنین موضوع بی شک باطل است  
هر دو گر محتاج اندر یک رهند  
در مراتب موجد یکدیگرند  
باز هم این دور گردد بی گمان  
باطل است البته نزد عاقلان  
پس معین شد که ایجاد وجود  
منتهی گردد به واجب در شهود  
اندر این صغرا و کبرا جازم است  
بهر این عالم خدایی لازم است  
باز می گویم دلیل دیگری  
تا نماید گمراهان را رهبری  
از موسس زین مقرنس طاق را  
وز تدبیر انفس و آفاق را  
صانع این گردش افلاک کیست  
خالق این ساکنین خاک کیست



ماتعلی و شیخ آقا حسن فاخری

آسمانی را که با نقش و نگار  
بی‌ستون در جای خود باشد قرار  
کن تفکر این بنای عالیه  
نیست در رفعت مر او را تالیه  
از طلوع نیرین و وزافول  
از صعود کوکبین و وز نزول  
می‌شود حاصل فصول اربعه  
می‌فزاید زو هزاران واقعه  
این چنین صنعت که بینی رنگ  
در فضای این جهان بنموده تنگ  
جوهر و اعراض در این عالم است  
در حدویش عقل بر آن حاکم است  
پس از این برهان دلیل قاطعی است  
این جهان محتاج بر یک صانعی است  
صانعی باید که از فیض وجود  
آنچه در غیب است آرد در شهود



صنعتی دیدی که بی‌صانع بود  
یک بنا دیدی که بی‌بانی بود  
بی‌محرک چرخ کی گردد روان  
بی‌محرک فلک کی باشد دوان  
هیچ امری بی‌وجود آمری  
هیچ دیدی مشعلی بی‌آذری  
صانعی باید که بی‌مثل و مثل  
خالقی باید که بی‌شبه و بدل  
تا کند ایجاد این نه طاق را  
در تحرک آورد آفاق را  
گردش افلاک باشد علتی  
تا شود ظاهر هزاران صنعتی  
هریک از سیر کواکب درنظر  
اقتضای وقت بخشندی اثر  
گر طبیعت را مربی دانش  
زین اثر را شد طبیعت بانیش



مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاضل

آن طبیعت از چه امری حاصل است  
کین اثرها را تمامی فاصل است  
آن موثر نیست خارج از دوحال  
یا بود واجب و یا ممکن خصال  
گر بود واجب همان باشد خدا  
جملگی را هست عین مدعا  
گر بود ممکن پس او را لاعلاج  
واجب دیگر مر او را احتیاج  
پس طبیعت در اثر یک علتی است  
در وجود واجب آن هم آیتی است  
زانکه از سیر کواکب حادث است  
که ظهورش چرخ گردون باعث است  
آن طبیعت نیستی قائم بذات  
بلکه در خارج نه دارای صفات  
هرکسی کو مدرک المعقول شد  
این سخن کی نزد وی مقبول شد



مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاضلی

آن کسی کو لایق حمد ثناست  
آن خدایی را که بی چون و چراست  
بایدی البته اندر هر جهات  
باشد او را از الوهیت صفات  
متصف باشد صفت‌های خصوص  
هست ثابت جمله از عقل و نصوص  
آنکه مستجمع صفات و از کمال  
نیست غیرذات پاک لایزال  
گر ظهور جمله اشیاء به ضد  
لیک واجب را نه مانند و نه ند





## و - در صفات ثبوتیه

آن صفات خاصه مستلزم به ذات  
نیست خارج بلکه باشد عین ذات  
آن یکی علم است و دیگر قدرت  
پی به ذاتش هر دو ما را حجت است  
آنچه علمی را که حق دارا بود  
گو محیط جمله اشیا بود  
آنچه را کردی تصور بی گمان  
ره بیابد علم و دانش اندر آن  
آنچه ما کان یكون عالم است  
از پس و پیش هرچه باشد عالم است  
جهل نقصانی است باشد آشکار  
کی روا باشد به ذات کردگار  
قدرتی را نیز بر او لازم است  
کین صفت را عقل بر آن حاکم است  
زان عبودیت بلاشک و مثال  
متصف گردد صفات لایزال



مجلس شورای اسلامی و شیخ آقا حسن فاضری

هرچه را سازد توجه آن زمان  
هرچه مطلوب است باید بی گمان  
تا به حدی در مکان و لامکان  
إِنْ أَرَادَ الشَّيْءُ قَالَ كُنْ فَكُنْ  
می شود اینگونه آدم حق شناس  
هر که باشد هرچه را در او لباس  
ای کریم کردگار لم یزل  
ای که ذات خالی از شبه و مثل  
ای که اُدعوا فاستجب فرموده ای  
وعده ای بر بندگان داده ای  
رحمت بر حال ما شامل نما  
در جزا مقصود ما حاصل نما  
بر گناه خود همیشه منفعل  
از بد اعمال خود باشم خجل  
گر که از عصیان برانی از درم  
غیر درگاهت کجا رو آورم



ماتصلی و شیخ آقا حسن فاخری

زاده فاخر بود عبد ذلیل  
عاصی درگاهت ای رب جلیل



ستایش بر آن ذات یکتا بود  
که از هر نواقص مبراً بود  
علیم و قدیم است و حیّ و قدیر  
منزه بود از شریک و وزیر  
درود فراوان برون از شمار  
بود بر روان رسول کبار  
که از حق مخاطب به لولاک شد  
زفیضش وجود نه افلاک شد  
پس آنکه روان وصیّ رسول  
علی ولی زوج پاک بتول  
زاوлад امجاد او سربسّر  
تمامی الی قائم منتظر



ماتصلی و شیخ آقا حسن فاخری

## - در تاریخ وفات حضرت مستطاب شمس العرفا و زبدة الفضلاء و المحققین آقاشیخ حسن

متخلص به زاده فاخر طاب ثراه<sup>۱</sup>

یگانه عالم عارف از این دنیای دون پرور

حسن آن زاده فاخر بدی با دیدگان تر

شب و روزش بد او ذکر حسین بن علی

نبودی خاطرش راحت که آساید دمی بستر

به سوی روضه رضوان شتابان طایر روحش

به سال غین شین و نون<sup>۲</sup> شهر صوم و لیل قدر

---

<sup>۱</sup>. سروده محمد حسن طالقانی

<sup>۲</sup>. سال ۱۳۵۰ ه. ق.